

«من به احترام این همه ذوق و هنر مؤلف و برای تکمیل این جناس زیبا بود که نام نامه داستان را برای کتاب برگزیدم.» (ص پنزده).

قابل تذکر است که مصحح به طور قیاسی، این نام را در جای خالی پس از ترکیب «بلند آستان» بین دو قلاب افزوده و جناس را تکمیل کرده است. به هر حال به نظر می‌رسد که مؤلف نتوانسته آن را به حضور شاه برساند و به همین دلیل جای نام، خالی مانده است.

مؤلف در مقدمه خود، شیوه کارش را چنین بیان می‌دارد: «و مر این گنجینه گهر و هزینة هنر را یک کلید و سسی و دو در است و هر در را دو لخت، یکی در داستان‌های پارسی ویژه و دیگری در آنها که پارسی و تازی بهم آمیخته باشد و آنچه در این خرد خردنامه از خویشتن آورده‌ام چون دیباچه و افسانه‌ها و دیگر چیزها همه به پارسی نیامیخته به تازی است.» (ص پنزده).

مقصود وی از «کلید»، بخشی است که به عنوان توضیح و راهنما در مقدمه آورده و آن را به هفت قسمت تقسیم کرده و هر قسمت را «گشایش» نامیده است. در این بخش به بیان تعریف و توضیح ضرب‌المثل و تأثیر کاربرد آن و انواع داستان‌های پارسیان و شیوه و روش خود پرداخته است. مقصود از سسی و دو «در»، حروف الفبای فارسی است که مثل‌ها به ترتیب آن‌ها گردآوری شده و در هر حرف دو قسمت (لخت) گنجانده است، لختی از آن مربوط به مثل‌هایی است که تمام کلمات آنها فارسی است و با واژه‌های عربی آمیخته نشده‌اند؛ و لخت دیگر مثل‌هایی است که دارای کلمات عربی هستند یا با آن واژه‌ها آمیخته شده‌اند. در بسیاری موارد،

بررسی‌های جامعه ایرانی سود ببرند.

اخیراً کتاب ارزشمندی منتشر شده است به نام «نامه داستان یا امثال و حکم»، تألیف علی اکبر بن علی بن ابی القاسم بن عیسی بن حسن الحسینی نوه فاضل قائم مقام فراهانی، وزیر دانشمند و اصلاح‌طلب محمدشاه است که در سال ۱۳۲۲ هجری قمری تألیف و به مظفرالدین شاه تقدیم شده است. این اثر به همت و تصحیح و تحشیه فاضل گرامی، آقای دکتر رحیم چاوش اکبری انتشار یافته است. به ظاهر تنها یک نسخه خطی از آن وجود دارد که در اختیار مصحح محترم است و همان است که به مظفرالدین شاه تقدیم شده است. از این کتاب در هیچ فهرست واره‌ای نام و ذکرى به میان نیامده است و در واقع جزو آثار گمشده‌ای بود که اینک پیدا شده است. البته نام این کتاب به وسیله خود مؤلف انتخاب نشده، بلکه به وسیله مصحح، آقای دکتر چاوش اکبری، با دقت و تناسب کامل برگزیده شده است و من گمان دارم که مؤلف نیز نامی جز این بر اثر خود نمی‌نهاد؛ زیرا خود مؤلف، امثال و حکم را به پیروی از گذشتگان، «داستان» نامیده و تلاش کرده تا به پارسی سره بنویسد. از طرفی، وی در یک عبارت، به هنگام تقدیم اثر به مظفرالدین شاه جای نام کتاب را خالی گذاشته تا به وسیله پادشاه بر آن نهاده شود. در آن عبارات، گزینش چنین نامی، هم از نظر پارسی نویسی مؤلف و هم از نظر اصطلاح‌گزینی، نامی کاملاً دقیق به نظر می‌رسد.

مؤلف می‌نویسد: «و نام نامی این نامه دلبند داستان از آن بلند آستان... آمد.» و مصحح محترم نیز می‌گوید:

ضرب‌المثل‌ها در واقع عبارات حکیمانه‌ای است که در میان مردم کوچه و بازار رواج دارد و کارکرد آن انتقال فرهنگ و اخلاق و معنویات یک جامعه است و به نوعی نقش استدلال و برهان را نیز بازی می‌کند و یک دریافت یا مفهوم را به شیوه غیرمستقیم ارائه می‌دهد. این شیوه می‌تواند به شکل تمثیل یا طنز و کنایه به کار رود و بنای آن براساس نوعی تشبیه یا مقایسه نهاده شده است. ضرب‌المثل‌ها از طریق اینهمانی موضوع، سعی در ترغیب و تحذیر و اقناع دارند. این ضرب‌المثل‌ها یا به صورت جمله‌های کوتاه و یا به صورت بیت و مصراع به کار برده می‌شوند. نزدیک به تمامی ضرب‌المثل‌ها به نوعی مبتنی بر حکایتی یا واقعه‌ای بوده‌اند که البته ممکن است بسیاری از این حکایت‌ها و واقعه‌ها از یادها رفته باشند اما نتیجه آن‌ها که همان مثل است در ذهن‌ها و زبان‌ها باقی مانده است. گردآوری و حفظ این مثل‌ها کمک شایانی به شناخت فرهنگ و تاریخ اجتماعی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی می‌کند و لازم است که جامعه‌شناسان از آنها به عنوان دستمایه‌های

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نامه داستان

یا

امثال و حکم

تألیف: علی اکبر بن ابی القاسم بن عیسی بن حسن الحسینی

نوه شاهروان ابوالقاسم قائم مقام فراهانی

تصحیح و تحشیه: دکتر رحیم چاوش اکبری

دکتر رحیم چاوش اکبری، همسایه‌ی تبریزی

نامه داستان (یا امثال و حکم)

علی اکبر بن علی بن ابی القاسم بن عیسی بن حسن الحسینی (نواده قائم مقام فراهانی)

مصحح و محقق: دکتر رحیم چاوش اکبری

انتشارات مستوفی - انتشارات بهزاد

چاپ اول: پاییز ۱۳۷۸

مؤلف علاوه بر معادل عربی، معادل آذری ضربالمثل‌ها را نیز آورده است و این نوعی کار تطبیقی ارجمند است. این امر نشانهٔ علاقه و دلبستگی فراوان مؤلف به زبان فارسی است.

وی برای «داستان» چهار شرط قایل شده است: ۱- کوتاهی سخن ۲- استواری اندیشه ۳- نکویی بازنمودن ۴- خوبی مانند کردن.

مؤلف، داستان‌های پارسی را دوگونه می‌داند؛ یکی آنها که نخست فارسی بوده و پس از پیروزی تازیان بر ایرانیان، وارد زبان عربی شده است. دستهٔ دیگر آنها که تازی بوده و وارد زبان فارسی شده است. در دنبالهٔ سخن خود می‌گوید: «افسانه‌های داستانهای پارسی بیشتر از میان رفته و کس از آنها در نامه‌های باستانی سخنی نگفته مگر بسیارکم، آنهم پریشان و درهم، از این روی ما از آوردن افسانه‌های دروغ و یاد کردن سخن‌های بی‌فروغ روی بر تافته و دیبای زیبای سخن را به تاروپود دروغین بر هم نیافته و بلاف و گزاف رشتهٔ گفتار به درازا نکشیده، مگر آنجا که در نامه‌های باستان چون شاهنامه و حدیقه و مثنوی و پنج‌گنج نظامی و گلستان و کلیله و دمنه و مافد آن افسانه نیکو دیده که آن را به سخنی هرچه کوتاه‌تر و شیوهٔ هرچه دلخواه‌تر آورده‌ام.» (ص هفده و هجده).

البته مصحح محترم هر جا که لازم بوده و اسناد تاریخی و مکتوب و غیره وجود داشته، شرحی مستوفی بر ضربالمثل افزوده و افسانهٔ مربوط بدان را در متن آورده است؛ توضیح این که شرح و تفصیل افزودهٔ مصحح در داخل دو قلاب جای گرفته تا با متن اصلی

خلط و اشتباه نشود.

گذشته از موارد فوق، این کتاب از چند نظر ارزشمند است و قابل توجه است: نخست این که از معدود آثاری است که سالها پیش از مرحوم دهخدا (حدود اوایل سال ۱۲۸۴ هجری شمسی) به فارسی نگاشته شده و حتی دهخدا نیز این مآخذ مهم را ندیده است. چنانکه گفته شد، نسخهٔ منحصر بفرد آن نزد مصحح محترم موجود است.

دیگر این که حدود چهارصد مثل در این کتاب وجود دارد که در امثال و حکم دهخدا نیامده است.

سوم این که مؤلف در حدود یک قرن پیش با تسلط کامل به پارسی سره نوشته است و اشتباهات رایج نثر قاچار، حتی دورهٔ بعد در آن وجود ندارد. این امر باعث می‌شود که این اثر از دیدگاه تاریخ نثر فارسی و سبک‌شناسی و تاریخ زبان فارسی اهمیت بیابد. در پایان، یک نکته را لازم به تذکر می‌دانم و آن اینکه مصحح محترم در صفحهٔ نه آورده‌اند: «چنانکه در تصویر صفحهٔ اول و صفحهٔ آخر و صفحهٔ ۸۹ متن می‌بینید...»

اما متأسفانه هیچکدام از این تصویرها در مقدمه نیامده است و به نظر می‌رسد در چاپ اشتباهی رخ داده است؛ زیرا تصویر صفحهٔ اول نسخهٔ دستنویس مؤلف، در صفحهٔ ۱۴۰ به چاپ رسیده و تصویر صفحهٔ آخر نسخه نیز در صفحهٔ ۲۴ کتاب آمده است که بدون تردید در این جایگاه محلی از اعراب ندارد. صفحهٔ ۸۹ متن نیز اصلاً چاپ نشده است. امید است که در چاپ‌های بعدی، این کاستی و اشتباهات چاپی دیگر برطرف گردد.

استاد نمونه

دکتر نصرالله امامی، استاد دانشگاه چمران، مترجم و مؤلفی پرکار است که در اردیبهشت سالجاری نیز به عنوان استاد نمونه انتخاب شد.

وی پیش از این، کتاب گرایش‌های فلسفی در نقد ادبی را از سعید عدنان و حروف آغازین قرآن را از نصح عبدالظاهر ترجمه کرده است. همچنین کتاب‌هایی در زمینه نقد و تحلیل متون چون: آفرینش‌های هنری در شعر منوچهری دامغانی، پرنیان هفت رنگ (در نقد و تحلیل شعر فرخی سیستانی)، ارمنان صبح (نقد و تحلیل شعر خاقانی)، فروغ گل (گزیده اشعار منوچهری) و زندگی و شعر کای مروزی و همچنین بیش از پنجاه مقاله علمی در نشریات مختلف تألیف کرده است.

دکتر نصرالله امامی در گفتگو با خبرنگار ما، دربارهٔ فعالیت‌های کنونی خود گفت: در حال حاضر مشغول نوشتن ادامهٔ کتاب «مبانی و روش‌های نقد ادبی» هستم که چاپ اول آن در سال ۷۷ منتشر شد و برای چاپ سوم آن، قسمتهایی در مباحث ساختارگرایی، مدرنیسم و نقد هرمنوتیکی و نقد داستان به آن اضافه خواهم کرد.

حجم کتاب در چاپ سوم با این اضافات در واقع به دو برابر خواهد رسید و من امیدوارم حداکثر تا یک سال دیگر مطالب را آماده کنم.

وی دربارهٔ ترجمه‌هایی که در دست دارد، افزود: کتابی با عنوان داستان شعر و نثر معادل عربی قصه‌الشعر و النثر را که نوشته دکتر طه حسین است در دست دارم. این کتاب سرگذشت اجمالی تحولاتی است که در شعر و نثر عربی به وجود آمده است. دکتر طه حسین در تألیف این کتاب یک دید تطبیقی دارد و در واقع ادبیات تطبیقی را لحاظ کرده و ادبیات عرب را در مقایسه با ادبیات فارسی و یونانی مورد بررسی و مطالعه قرار داده و سعی کرده است تأثیرات ادبیات فارسی و یونانی را بر عربی نشان دهد. به نظر من از دیدگاه مقایسه‌ای در حوزه ادبیات تطبیقی عرب، اثر قابل توجهی است. این کتاب به صورت مجموعه گفتارهایی است که دکتر طه حسین در دهه ۷۰ ایراد کرده و بصورت کتاب تدوین شده است.

وی افزود: همچنین مجموعه‌ای از چند مقاله نیز از رنه ولک در زمینه ساختارگرایی در دست دارم که از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کنم و همه کوششم این است که این مجموعه تا یکی دو سال دیگر آماده نشر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

احمد ابومحبوب

نامهٔ داستان